آقای مزرعه‌دار به مشکل برخورده. گاوهایش عاشق تایپ‌کردن هستند و تمام روز از طویله این صدا به گوشش می‌رسد:

کلیک‌کلیک **ماما**

کلیک‌کلیک **ماما**

کلیک‌کلیک **ماما**





اما مشکل آقای مزرعه‌دار درست از جایی شروع شد که گاوهایش
برای او پیام‌هایی تایپ کردند...



اوایل آقای مزرعه‌دار صدایی را که می‌شنید باور نمی‌کرد.
یعنی گاوها می‌توانند تایپ کنند؟ غیرممکن است!

کلیک‌کلیک **ماما**

کلیک‌کلیک **ماما**

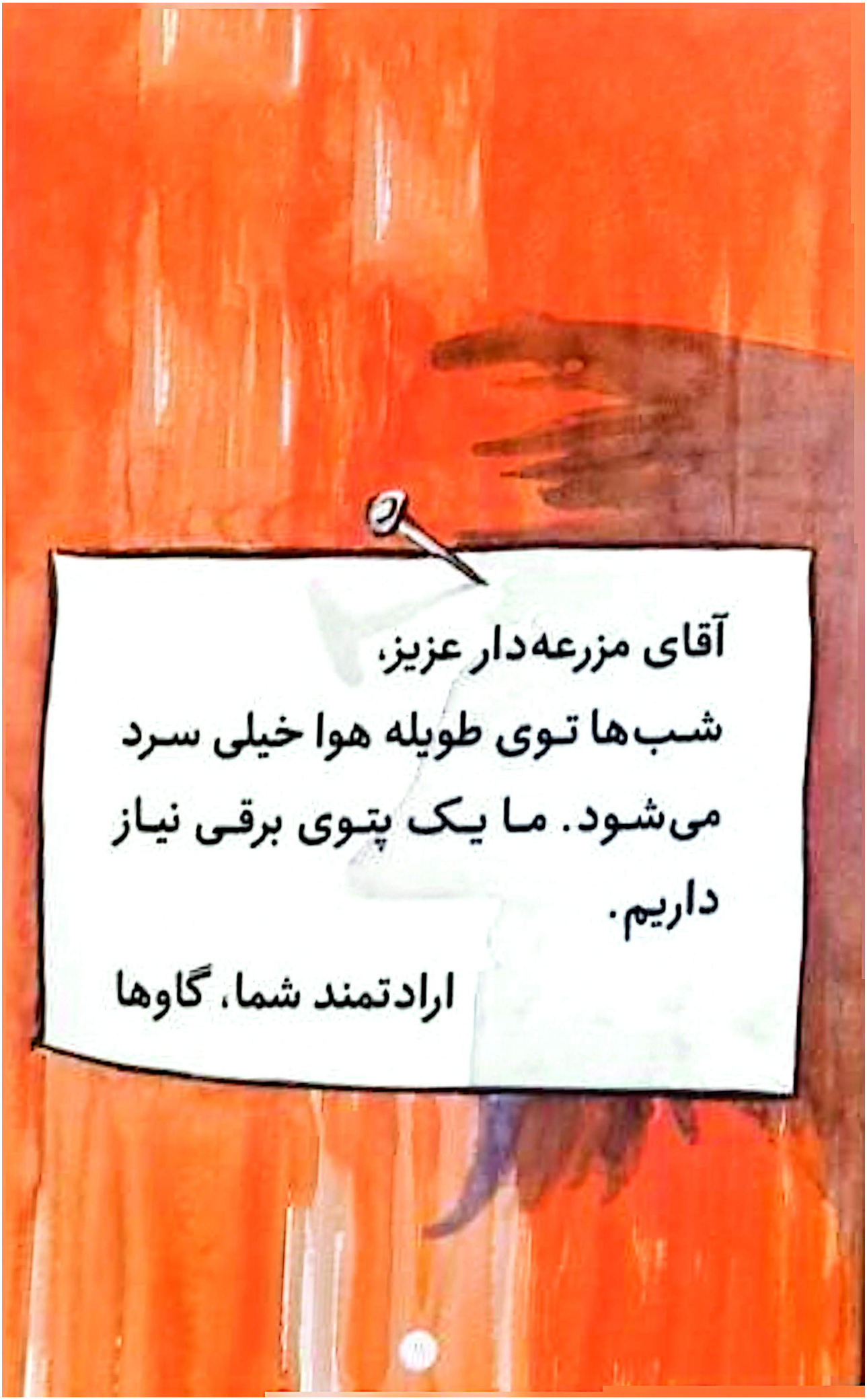
کلیک‌کلیک **ماما**

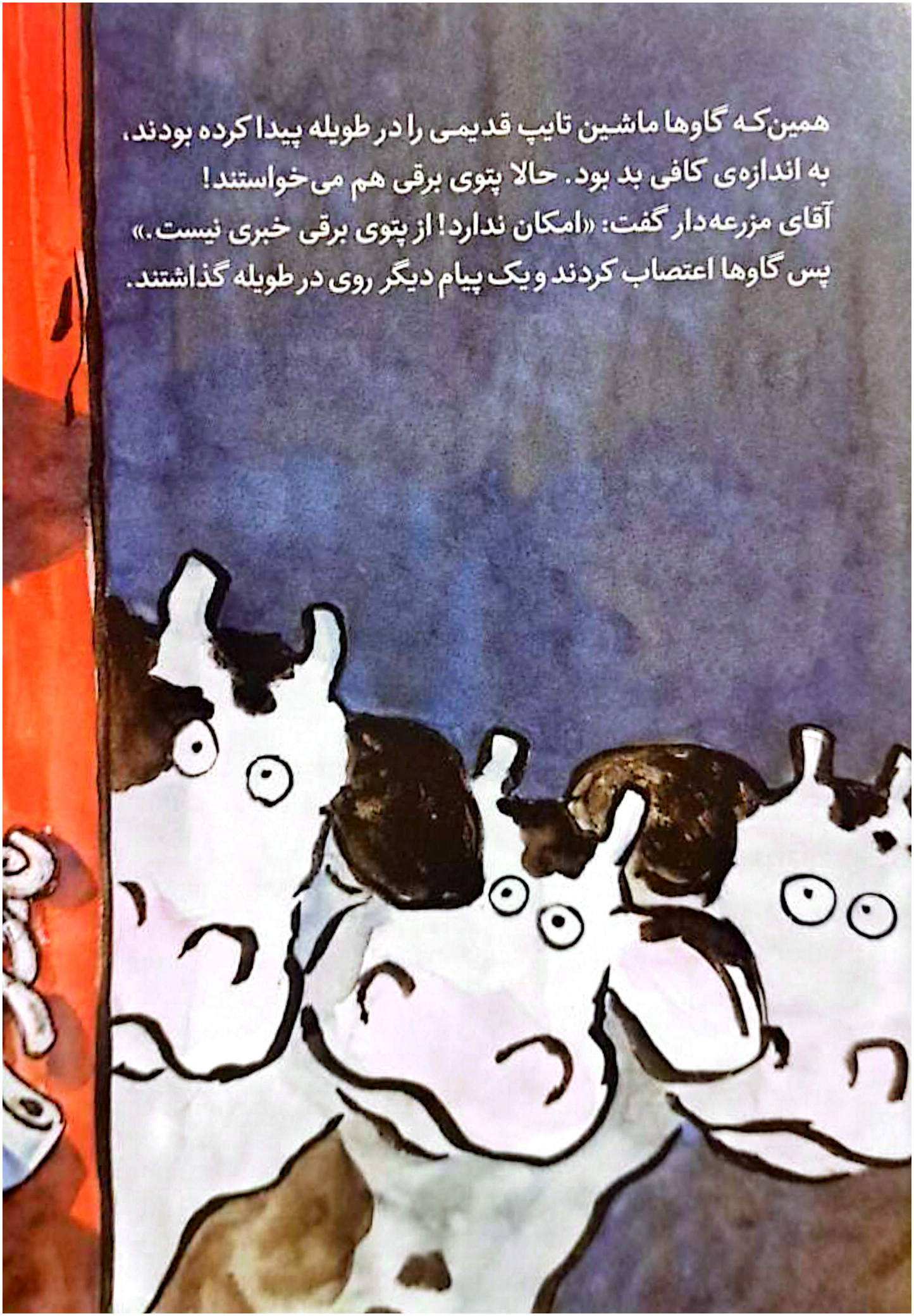


CamScanner



CamScanner


آقای مزرعه‌دار عزیز،
شب‌ها توی طویله هوا خیلی سرد می‌شود. ما یک پتوی برقی نیاز داریم.
ارادتمند شما، گاوها


همین‌که گاوها ماشین تایپ قدیمی را در طویله پیدا کرده بودند،
به اندازه‌ی کافی بد بود. حالا پتوی برقی هم می‌خواستند!
آقای مزرعه‌دار گفت: «امکان ندارد! از پتوی برقی خبری نیست.»
پس گاوها اعتصاب کردند و یک پیام دیگر روی در طویله گذاشتند.



CamScanner



آقای مزرعه‌دار با عصبانیت تکرار کرد: «امروز شیر ندارید؟» از صداهای پشت در معلوم بود که گاوها مشغول انجام کاری بودند.

CamScanner



کلیک‌کلیک ماما

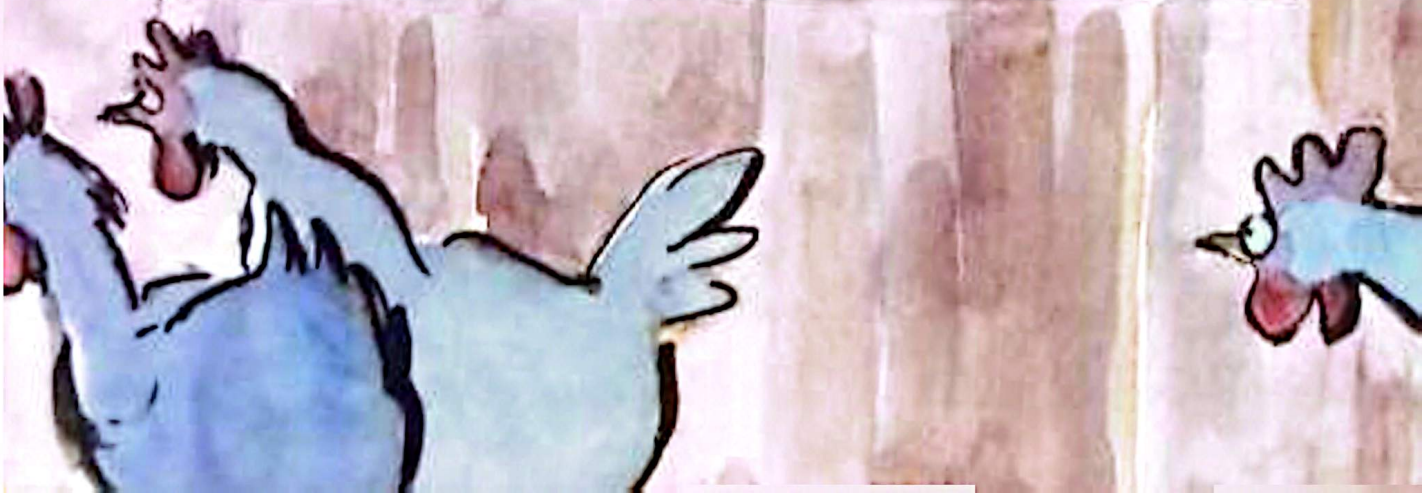
کلیک‌کلیک ماما

کلیک‌کلیک ماما

CamScanner

روز بعد پیام دیگری به دست آقای مزرعه‌دار رسید:

آقای مزرعه‌دار عزیز،
مرغ‌ها هم سردشان شده. آنها هم
پتوی برقی می‌خواهند.
ارادتمند شما، گاوها



گاوها حسابی از دست آقای مزرعه‌دار ناراحت بودند و صبرشان سر آمده بود. برای همین یک پیام دیگر تایپ کردند و به در طویله آویزان کردند.



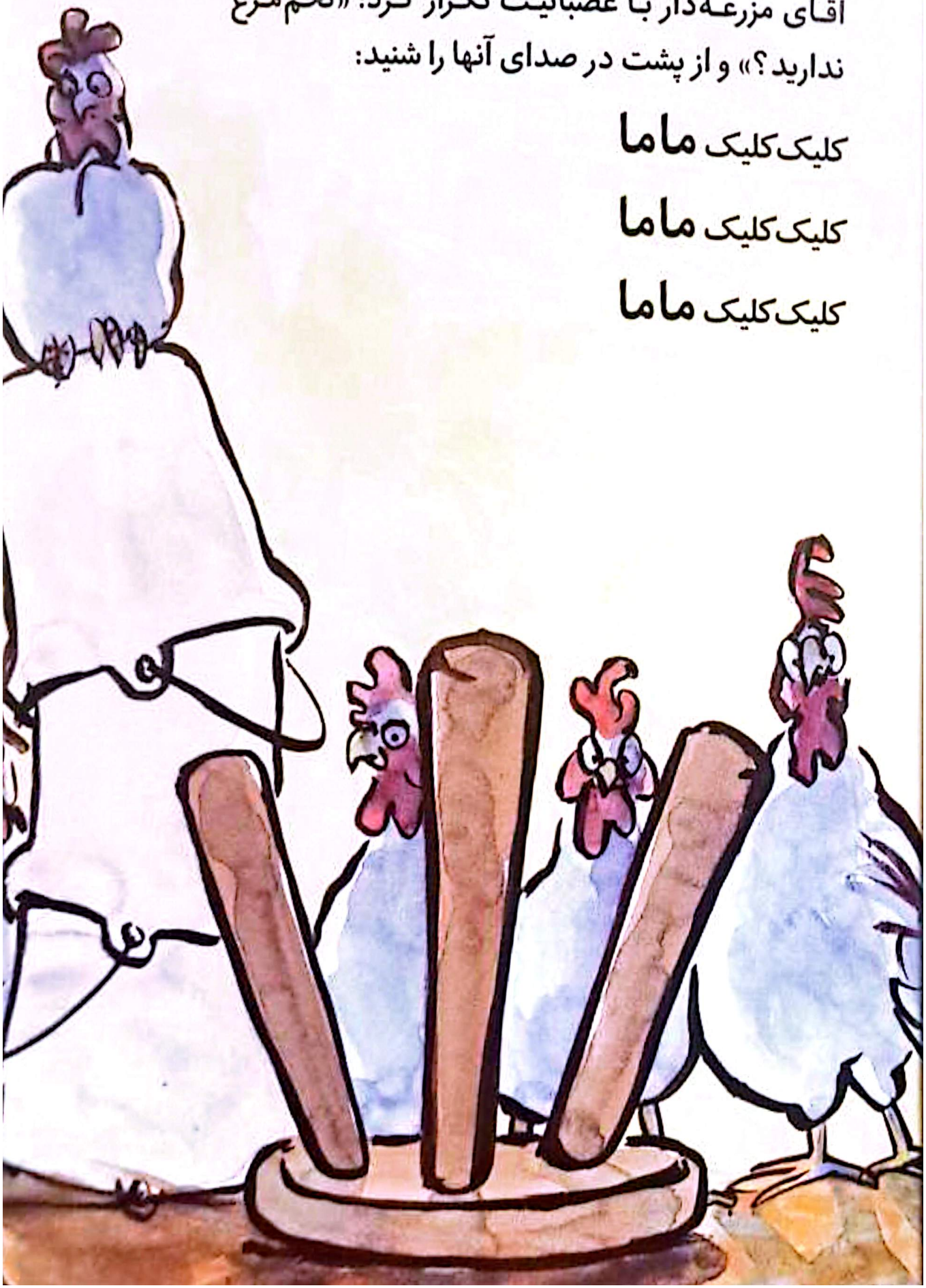
CamScanner

آقای مزرعه‌دار با عصبانیت تکرار کرد: «تخم‌مرغ ندارید؟» و از پشت در صدای آنها را شنید:

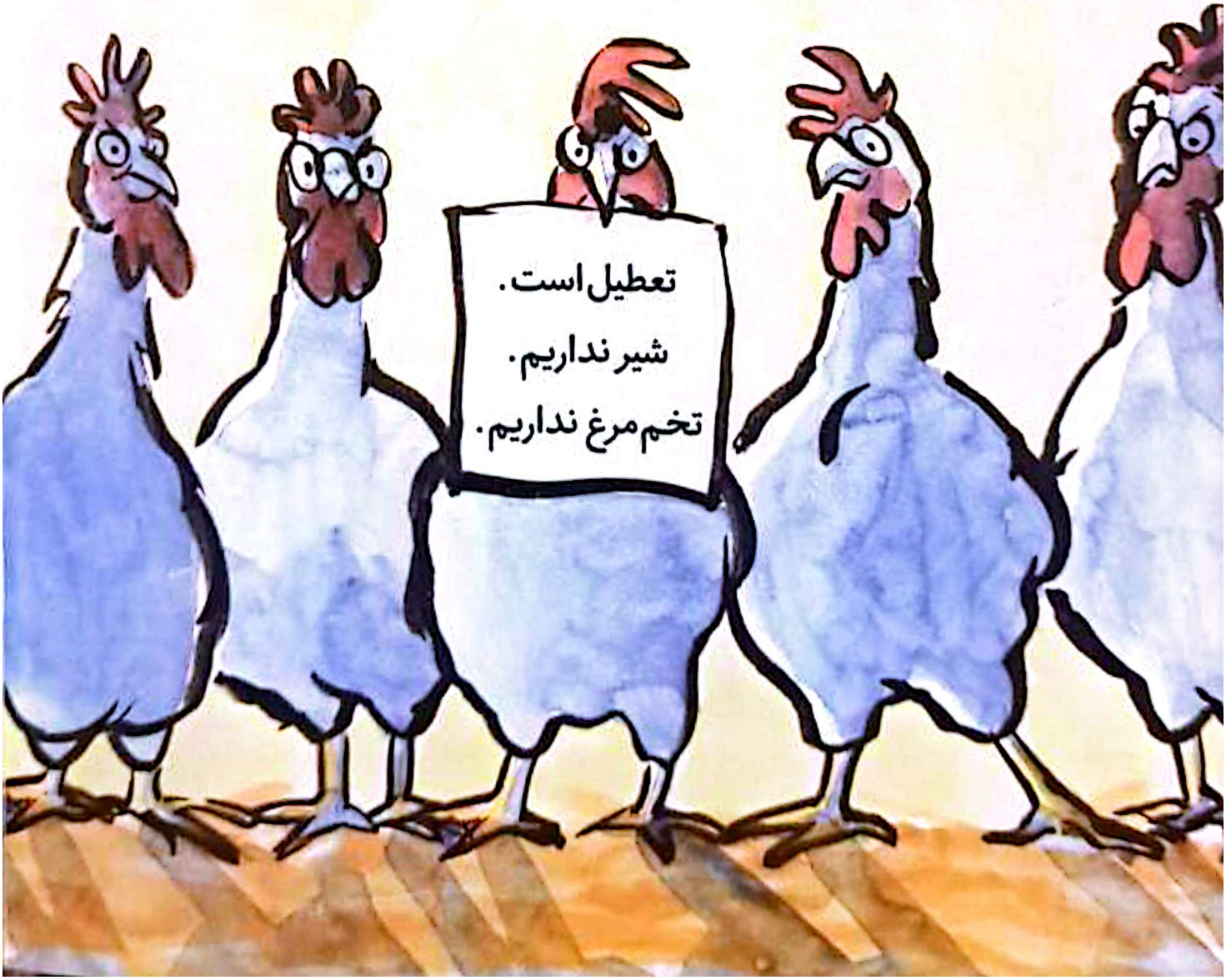
کلیک‌کلیک **ماما**

کلیک‌کلیک **ماما**

کلیک‌کلیک **ماما**



گاوها حسابی از دست آقای مزرعه‌دار ناراحت بودند و صبرشان سر آمده بود. برای همین یک پیام دیگر تایپ کردند و به در طویله آویزان کردند.



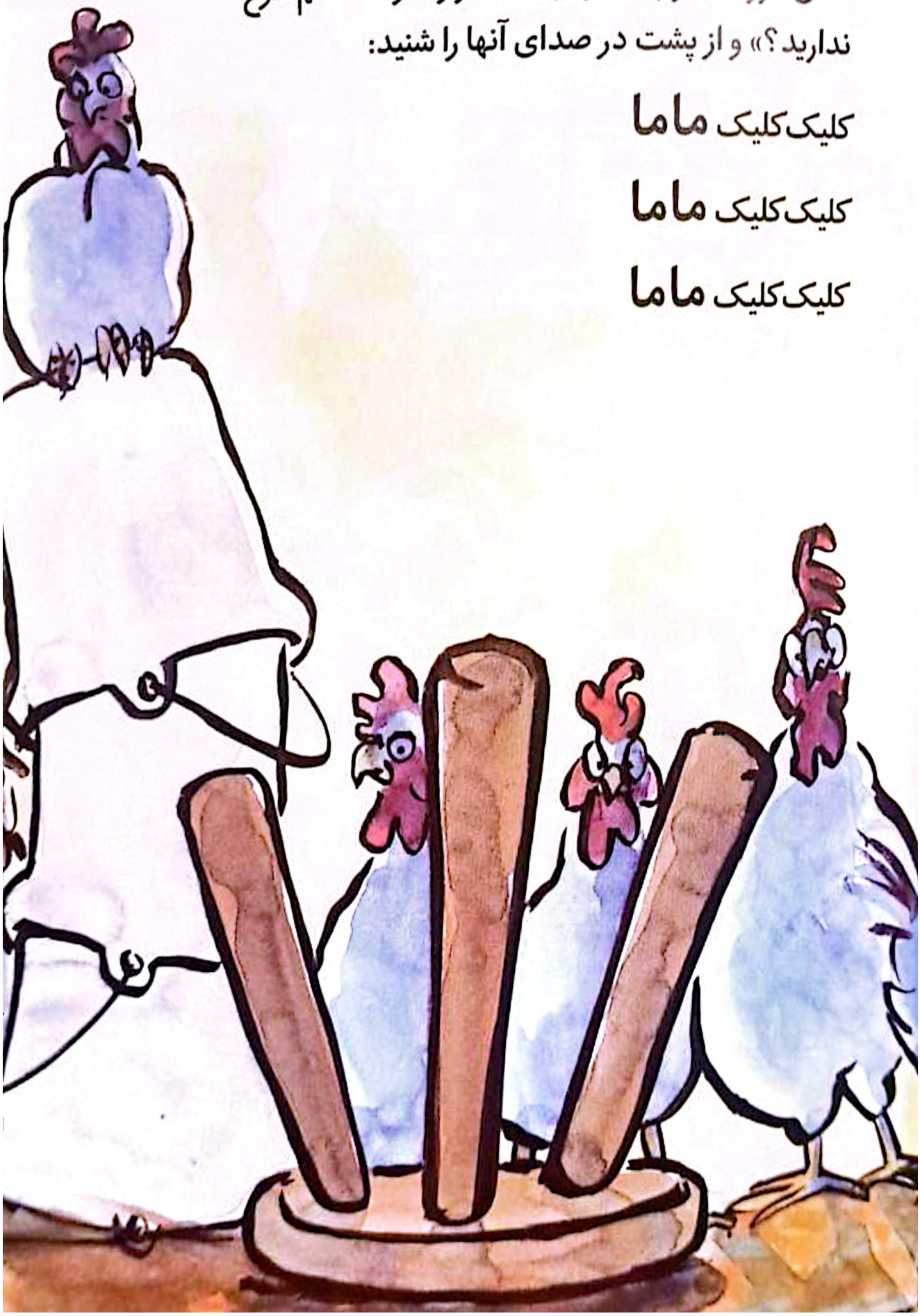
CamScanner

آقای مزرعه‌دار با عصبانیت تکرار کرد: «تخم‌مرغ ندارید؟» و از پشت در صدای آنها را شنید:

کلیک‌کلیک **ماما**

کلیک‌کلیک **ماما**

کلیک‌کلیک **ماما**



آقای مزرعه‌دار که از کوره در رفته بود با خودش گفت، "گاوها تایپ می‌کنند، مرغ‌ها اعتصاب می‌کنند! کی تا حالا همچی چیزی شنیده؟ چطور می‌توانم بدون شیر و تخم‌مرغ مزرعه را بچرخانم؟"



آقای مزرعه‌دار ماشین تایپ خودش را بیرون آورد.

مرغ‌ها و گاوهای عزیز،
هیچ خبری از پتوی برقی نیست. شما گاو و مرغ هستید. من هم شیر و تخم‌مرغ می‌خواهم.

ارادتمند شما، مزرعه‌دار





CamScanner



اردک که یک حیوان بی‌طرف بود، نامه‌ی اخطار مزرعه‌دار را برای گاوها برد.





CamScanner

گاوها یک جلسه‌ی اضطراری و محرمانه برگزار کردند. همه‌ی حیوانات پشت در طویله جمع شدند تا ببینند چه خبر بود. اما هیچ‌کدام معنی ماما را نمی‌فهمیدند.
آقای مزرعه‌دار تمام شب منتظر جواب ماند.



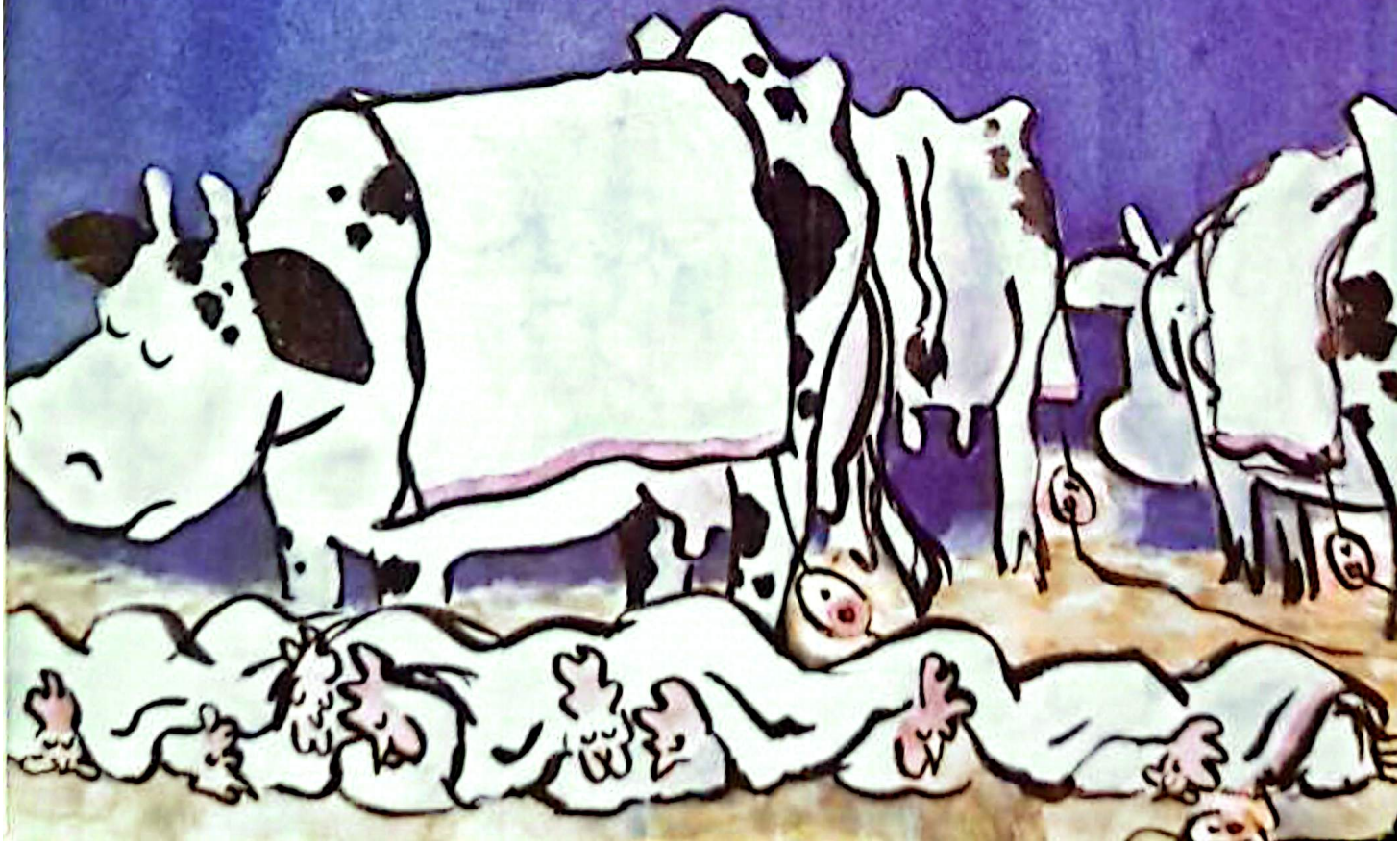
صبح خیلی زود اردک به خانه‌ی مزرعه‌دار رفت و در زد و یک نامه به او داد.



CamScanner


آقای مزرعه‌دار عزیز،
ما ماشین تایپ خودمان را با پتوهای برقی
عوض می‌کنیم. آنها را پشت در طویله بگذارید
و ما هم ماشین تایپ را می‌دهیم به اردک تا
برایتان بیاورد.
ارادتمند شما، گاوها

آقای مزرعه‌دار فکر کرد، "معامله ی بدی به نظر نمی‌آید." پس پتوها را پشت در طویله گذاشت و منتظر ماند تا اردک با ماشین تایپ برگردد.



CamScanner

صبح روز بعد، یک پیام جدید دریافت کرد:

آقای مزرعه‌دار عزیز،
برکه خیلی جای خسته‌کننده‌ای شده.
ما یک تخته‌شیرجه می‌خواهیم.

ارادتمند شما، اردک‌ها

کلیک‌کلیک **کوئک‌کوئک**
کلیک‌کلیک **کوئک‌کوئک**
کلیک‌کلیک **کوئک‌کوئک**

